



مجمع جهانی صلح اسلامی

برداشت

Interpretation Day

گزارش

تغییر و دگردیسی «محمد بن سلمان» در عربستان

خرداد ماه ۹۷

رصدخانه روابط بین الملل

برداشت روزنگاهی است تحلیلی گرایانه به اقدامات و پدیده های جهانی در حوزه فرهنگی، اجتماعی و روابط بین الملل

سخنی با خوانندگان:

رصد مداوم و تجزیه و تحلیل آخرین رویدادها در عرصه بین الملل برای ایجاد شناخت، روند شناسی و برنامه ریزی صحیح از جمله نیازهای ضروری است.

بدین منظور گروه رصدخانه روابط بین الملل مجمع جهانی صلح اسلامی این مهم را در دستور کار خود قرار داده و بخشی از آن را به صورت موردی با عنوان ترجمان روز منتشر می نماید.

هرگونه مساعدت و همفکری در جهت افزایش غنای این گزارش های خبری و تحلیلی مزید امتنان است.

بدیهی است طرح گزارش ها و تحلیل ها گرایشی نبوده و به عنوان نظر رسمی این مجمع نیز تلقی نمی گردد.

از آنجا که این گزارش صرفاً برای تعدادی از مسئولان و مدیران انتشار می یابد، بهره برداری، انتشار و کپی برداری از مطالب با هماهنگی این مجمع مجاز خواهد بود.

تغییر و دگردیسی

«محمد بن سلمان» در عربستان



مقدمه

با توجه به غیبت طولانی محمد بن سلمان، ولیعهد سعودی در رسانه‌ها و انتظار عمومی در پی حادثه تیراندازی در کاخ پادشاهی این کشور در شهر ریاض، برخی گمانه‌زنی‌ها را در میان مردم عربستان، در خصوص وضعیت او دامن زده است. برخی از منابع، از احتمال زخمی شدن بن سلمان در شب حادثه خبر داده بودند ولی آنچه مسلم بوده، این است که ولیعهد سعودی پس از این حادثه در رسانه‌ها تقریباً حضوری نداشته و از سرنوشت وی خبری در دست نیست.

برخی دیگر از گمانه‌زنی‌ها اینگونه است که محمد بن سلمان بعد از یک تور رسانه‌ای فشرده به اروپا و ایالات متحده، اکنون در یک قایق لوکس تفریحی در حال استراحت و تعطیلات می‌باشد. برخی تحلیلگران امور عربستان نیز معتقدند: محمد بن سلمان در معرض ترس و نگرانی از حملات انتقام جویانه به ویژه از ناحیه سایر اعضای خاندان سلطنتی قرار دارد که اقدامات بن سلمان آنها را آزرده است. برخی دیگر بر این اعتقادند که محمد بن سلمان در اثر حمله زخمی شده و پزشکان در حال درمان او هستند، اما از این مسئله تنها شمار اندکی از افراد مورد اعتماد و محرم خاندان بن سلمان با خبر هستند.

با توجه به غیبت ایشان در حال حاضر، نمی‌توان تغییر، دگردیسی و اصلاحات وی در عربستان را نادیده شمرد. در طول سه سال گذشته و از زمان روی کار آمدن ملک سلمان در عربستان، این کشور همواره با تصمیمات و اقدامات ابهام برانگیز در صحنه داخلی و منطقه‌ای مواجه بوده است و شاید بتوان گفت که این پادشاهی یک روز آرام را تجربه نکرده است. از سال میلادی گذشته، کشور عربستان اتفاقات جنجال برانگیزی را تجربه می‌کند که ولیعهد جوان سعودی (بن سلمان) تلاش دارد از طریق آن خود را بانی ساختن آینده‌ای روشن برای عربستانی نو معرفی کند. این اقدامات در جامعه سنتی عربستان آنقدر گسترده بود که گروهی از نزدیکان بن سلمان آن را عربستان چهارم توصیف کردند. اما واقعیتی که در این اقدامات نمی‌توان آنها را انکار کرد؛ تلاش‌های او برای رسیدن به تاج و تخت عربستان است.

محمد بن سلمان هنوز به پادشاهی نرسیده، دست به تغییرات وسیع و نگران کننده اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و حتی در مراودات و مناسبات سیاسی زده است که هر کدام می تواند از زوایای مختلفی و به دلایل گوناگون مورد توجه اندیشمندان و تحلیل گران قرار گیرد. حتی اصلاحات سفارشی محمد بن سلمان مورد توجه ویژه فعالان مذهبی، سیاسی و اجتماعی در داخل این کشور قرار گرفته است.

باید بر این نکته اذعان داشت که رویکرد اجتماعی- فرهنگی عربستان سعودی با ولیعهدی محمد بن سلمان تغییر کرده و چرخش چرخ اصلاحات فرهنگی و اجتماعی یا به نوعی غربی کردن عربستان به سرعت در حال انجام است تا آن جا که برای برخی فعالان مذهبی، دینی، سیاسی و اجتماعی شرایط جدیدی مطرح شده است. تغییراتی که در ابتدا با انتقاد تندی از سوی وهابیون سلفی روبه رو شد اما با فشار، زور، تطمیع و تهدید مخالفین را عقب زده و به مسئله خاتمه داد. تغییر قوانین رانندگی این کشور و اعلام آزادی رانندگی زنان، ورود آنان به ورزشگاه، فتوای اجازه دادن مفتی سعودی برای خروج زنان از کشور بدون اجازه همسر و پاره ای موارد دیگر، از جمله آزادی های مدنی است که عربستان سعودی به نام زنان به ثبت رسانده و مورد توجه جوامع بین المللی قرار گرفته است. این تغییرات مارا یاد تغییرات سفارشی غرب در ادوار گذشته در ترکیه و ایران می اندازد.

بسیاری بر این اعتقادند که عربستان در تلاش است تا با طرح موضوعاتی چون اجازه رانندگی برای زنان، بر سرکوب مردم سرپوش گذارد و به دنبال بهبود چهره خود پس از رسوایی کشتار شیعیان عربستان و جنایات یمن و حمایت از تروریسم باشد، درعین حال که رسیدن به سند چشم انداز ۲۰۳۰ که اخیرا توسط بن سلمان رونمایی شد را می توان یکی از دلایل ظاهری این اقدام بر شمرده. همچنین محمد بن سلمان برای عملیاتی کردن سند چشم انداز ۲۰۳۰ پروژه ای با عنوان طرح ساخت مرکز فناوری بزرگ در عربستان را مطرح نموده است. توافقنامه و قراردادهای جدید میان شرکت ملی نفت عربستان سعودی (Aramco) و شرکت آلفابت (Alphabet) به عنوان شرکت مادر موتور جستجوی گوگل مطرح شد. در این طرح در مورد ساخت یک مرکز فناوری بزرگ در عربستان که همانند طرح «دره سیلیکون (Silicon Valley)» سانفرانسیسکو آمریکا باشد، توافق شده است.

باید بر این نکته تاکید نمود که مهم ترین هدف شرکت بزرگ آمریکایی آلفابت از حضور در عربستان سعودی به نوعی ورود به بازار تکنولوژی و اطلاعاتی خاورمیانه است. آلفابت در رقابت با دیگر رقیبان خود همچون آمازون و مایکروسافت در عرصه حضور در مناطقی چون خاورمیانه عقب افتاده است. پروژه های آمازون و مایکروسافت موجب پیشی گرفتن این دو شرکت از آلفابت می شود. لذا آلفابت می خواهد نظر یکی از ثروتمندترین و به تازگی علاقه مند شده به تکنولوژی در خاورمیانه را جلب کند تا از طریق برنامه های مشترک بتواند از آمازون و مایکروسافت پیشی بگیرد.

در ادامه و با نگاهی به ساختار سیاسی و اجتماعی، فرهنگی و امنیتی حاکم بر کشور عربستان، مهمترین اقدامات بن سلمان مورد بررسی قرار می گیرند.

تحولات اجتماعی محمد بن سلمان در عربستان



اصلاح طلبی فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی و اظهار تمایل محمد بن سلمان برای ایجاد دگرگونی های قابل توجه در این عرصه ها وجه دیگر شخصیت و رویکردهای بن سلمان است که با قدرت طلبی و تمامیت خواهی وی در عرصه سیاسی متفاوت است. اقدامات اصلاحی محمد بن سلمان در سه حوزه فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی قابل تعریف است و در سه موضوع زنان، توسعه اقتصادی و فساد ستیزی پررنگ شده است. از این منظر ما

می توانیم مهمترین اقدامات محمد بن سلمان در راستای افزایش محبوبیت اجتماعی خود را در این سه موضوع مورد پی گیری قرار دهیم. البته طبیعی است که بن سلمان این موارد را صرفا در راستای تحکیم قدرت خود پیگیری می کند.

زنان

رائه‌ای طرح اسلام میانه رو یا به نوعی غرب گرا در تفکر محمد بن سلمان، اولین نمود عینی خود را در اقدامات شبه اصلاحاتی او درباره زنان داشت. اعطای حق رانندگی به زنان، حق صدور فتوا از سوی زنان، ایجاد باشگاه بوکس برای زنان در جده و چند اصلاح دیگر از جمله مهمترین مواردی است که در دو ماه گذشته به عنوان نماد تغییرات اجتماعی در عربستان مطرح شد. «ابراهیم کالین» سخنگوی کاخ ریاست جمهوری ترکیه این رویداد را به «انقلاب اجتماعی» توصیف کرده است. اما حقیقت این موضوع آن است که محمد بن سلمان به عنوان شخصیتی جوان و نزدیک به خواسته‌های اکثریت جمعیت عربستان، نیازمند تثبیت قدرت، وجهه و به رخ کشیدن توان مدیریتی و گرایش‌های تحول خواهانه خود به جامعه جوان سعودی و نیز به جهانیان به‌ویژه متحدان غربی ریاض است.

از سوی دیگر دادن اعطای حقوق اجتماعی و آزادی به زنان از دیرباز مورد تأکید بوده است. در واقع تداوم گفتگوهای عمومی و رسانه‌ای در ارتباط با رانندگی بانوان که به عنوان نمادی برای آزادی زنان در جامعه عربستان شناخته می‌شود؛ از یک سو این مسئله را به تابویی مستحکم و از سوی دیگر شکستن آن را دشوار و شاخصی برای اراده و قدرت شکننده‌ی آن تبدیل کرد. پاسخگویی به برخی مطالبات عمومی در ابتدای قدرت گیری، در طول تاریخ مدرن سعودی، الگویی برای افزایش مقبولیت شاهان سعودی بوده است. به همان نسبت که ترمیم ساز و کار انتقال قدرت از شیوه عمودی به افقی حائز اهمیت است، ایجاد آزادی برای زنان برای تحکیم جایگاه محمد بن سلمان نیز ضرورت دارد. بدین ترتیب، آزادسازی رانندگی زنان، که دیرزمانی است به مطالبه‌ای عمومی تبدیل شده و همچنان با مقاومت نهادهای مذهبی مواجه بود، امکان‌پذیر و برای تحکیم چهره مصلح محمد بن سلمان، بکار گرفته شد.

بعضی از تحلیل گران از تحولات مربوط به حوزه زنان نظراتی را ارایه دادند که به دو نمونه آن اشاره می‌شود.

یکی از تحلیل گران بر این باور است که این تحولات در مناطقی از عربستان مانند ریاض و جده با استقبال مواجه شده اما در بخش‌های مرکزی تبعات و واکنش‌های بسیاری به همراه داشته است. علاوه واکنش طیفی از جریان سنت گرای سعودی‌ها در خصوص اعطای حق رانندگی به زنان، صدها هزار راننده شخصی غیر سعودی و بسیاری از شرکت‌های داخلی و خارجی که تا کنون خدمات رساندن زنان و خانواده‌ها به مناطق مختلف را بر عهده داشتند از مزایای حقوقی و منفعت خارج می‌کند. این وضعیت گرچه آثار اقتصادی مثبتی برای عربستان خواهد داشت اما با عکس العمل شرکت‌ها و افراد ذینفع روبه رو شده است.

این تحلیلگر مسایل خاورمیانه بر این نکته تأکید دارد که این تحولات، غیر از تلاش خاندان آل سعود برای تغییر وجهه عربستان و افزایش پرستیژ این کشور در سازمان‌های بین‌المللی معنای دیگری به همراه ندارد و تحولی است نمادین که عربستان به ناگزیر پا در این مسیر گذاشته تا از فشارهای گوناگون سیاسی آمریکا و کشورهای غربی بر عربستان بکاهد و اگر به دنبال آن، سایر تحولات فکری، اجتماعی و آزادی نباشد به طور قطع می‌توان گفت نمایش شبه فمینیستی بیشتری نخواهد بود و تنها سرپوشی بر پنهان کردن سایر آزادی‌ها است.

تحلیل دیگری که درباره انگیزه عربستان در چرخش تند تحولات اجتماعی عنوان می‌شود این است که رژیم عربستان سعودی از ابتدای شکل گیری تاکنون، حکومتی بدوی و قبیله‌ای بوده که عمدتاً به صورت سنتی، بر مردم حکومت می‌کردند و قدرت هم موروثی منتقل می‌شود. البته این حکومت یک استثنا هم دارد؛ این که از حربه مذهب در جهت منافع خود و تثبیت حکومت بهره می‌گیرد و در سیاستگذاری‌ها استفاده می‌کند. اما پس از شروع موج بیزاری از تروریسم تکفیری منتسب به سعودی‌ها که در سوریه و عراق آغاز و به دیگر کشورها هم کشیده شد، رژیم آل سعود احساس کرد که در یک تنگنا قرار دارد که باید از این وضعیت حتی به صورت ظاهری رهایی پیدا کند.

به ویژه این که در یمن، سوریه، عراق و در دیگر جاها، دستش به خون مردم آلوده بوده و مجامع بین‌المللی و سازمان‌های حقوق بشری سازمان ملل هم بر این نکته تأکید داشته‌اند. البته آل سعود همراه با خریدن افراد و سازمان‌ها بر این مسایل سرپوش گذاشته و بر همین اساس، عربستان برای این که بتواند از این فشارها تا حدودی رهایی پیدا کند بحث آزادی زنان را مطرح کرد.

به باور این تحلیلگر خاورمیانه، در جهانی زندگی می کنیم که زنان نیمی از پیکره و حقوق جامعه را در اختیار دارند و عدم توجه به آنان تبعاتی را به همراه خواهد داشت. بنابراین عربستان چه معتقد باشد چه نباشد فرایندی است که باید طی شود، هرچند که در ابتدا با مشکلاتی مواجه خواهد شد. اما به نظر می رسد چون خواسته غرب و نظام آل سعود است جریان های مخالف سلفی گری و علمای وهابی در عربستان نیز هممنوا خواهند شد. البته اصلاحات اجتماعی مورد نظر دستگاههای غربی در عربستان دامنه گسترده تری دارد که باید به آن پرداخت.

توسعه اقتصادی

تدوین سند چشم انداز ۲۰۳۰ و تلاش برای تحقق آن مهم ترین نمود کوشش های محمد بن سلمان برای مطرح ساختن خود به عنوان شخصیتی اصلاح طلب در زمینه اقتصادی است. چشم انداز ۲۰۳۰ سعودی یا «رؤیه المملكة العربیه السعودیه ۲۰۳۰، سندی است که توسط شورای امور اقتصادی و توسعه به ریاست محمد بن سلمان و با مشارکت قریب به ۲۰ وزیر سعودی تدوین و در ۲۵ آوریل ۲۰۱۶ از آن رونمایی رسمی شده است.

این سند که از آن به نقشه ی راه توسعه اقتصادی، اجتماعی و سیاسی سعودی یاد می شود، در بردارنده طیفی از طرح ها و برنامه های بلند پروازانه و گسترده محمد بن سلمان برای ارتقاء نقش و کارکرد سعودی در دو حوزه داخلی و خارجی و در زمینه های مختلف اقتصادی، سیاسی، امنیتی و اجتماعی- فرهنگی است. در واقع سند تحول ۲۰۳۰ عربستان سعودی طرحی است که بنا بر آن، قرار است ساختار اقتصاد و به تبع آن اجتماع و سیاست عربستان تا حد زیادی تغییر کند. البته بخش مهمی از این تحولات در بعد اقتصادی است، ولی آثار و نتایج آن در حوزه اجتماعی و سیاسی نیز در صورت تحقق قابل رویت خواهد بود. با توجه به اصلاحات اقتصادی عربستان، کاهش نرخ بیکاری و افزایش درآمد سرانه تا دو برابر در پایان ۲۰۳۰ به افزایش مقبولیت اجتماعی محمد بن سلمان منجر می شود. البته با هزینه های سرسام آوری که او در جنگ طلبی و بلند پروازی های غرب گرایانه نشان داده، تحقق کامل این هدف، بعید به نظر می رسد و حتی ممکن است موجب فروپاشی اقتصادی عربستان نیز بشود.

فساد ستیزی

تشکیل کمیته مبارزه با فساد با دستور ملک سلمان و به ریاست محمد بن سلمان طرحی دیگر برای حفظ قدرت در خاندان آل سلمان و افزایش محبوبیت محمد بن سلمان در جامعه عربستان است. مبارزه با فساد خاندان آل سعود همواره یکی از مهمترین درخواست های مردم عربستان از حاکمان آل سعود بوده است به گونه ای که این درخواست به یکی از شعارهای اصلی تجمعات مردمی در جریان بیداری اسلامی و جنبش حراک ۱۵ سپتامبر عربستان بدل شد. اقدامات فساد ستیزی را محمد بن سلمان، با تشکیل کمیته مبارزه با فساد و دستگیری بسیاری از شاهزادگان و مقامات سعودی تلاش کرد عملی نشان دهد.

اما آنچه توسط بن سلمان در حال اجرا است تنها به عنوان فساد ستیزی مطرح نیست. او با دستگیری شاهزادگان قدرتمند در زمینه های نظامی، اقتصادی و رسانه و سرکوب آنها علاوه بر نمایشی در جهت جلب محبوبیت اجتماعی، توانست پایه های قدرت خود را مستحکم کند. در واقع او با این کار، تلاش کرده مشروعیت خود را نزد مردم عربستان افزایش دهد، بویژه آنکه در سال های اخیر اخبار گسترده ای درباره فساد مالی و اخلاقی شاهزادگان سعودی در سراسر جهان منتشر شده بود.

اصلاحات در عرصه سیاست خارجی

بن سلمان، ولیعهد سعودی در کنار اقدامات صورت داده در حوزه های اجتماعی و سیاسی داخل عربستان، در حوزه دیپلماتیک نیز در حال فعالیت هایی مختلف و مشکوکی است.

هر چند هر یک از این اقدامات اهداف متفاوتی دارند؛ اما برخی اهداف واحد نیز در آن‌ها به چشم می‌آید که می‌تواند از محورهای اصلی رفتار بن سلمان باشد.

باید بر این نکته تاکید نمود که عرصه سیاست خارجی گزینه مهمی است تا رویای جاه طلبانه بن سلمان را به واقعیت تبدیل کند. به نظر می‌رسد بن سلمان دو گزینه پیش رو داشت تا بتواند نقشه قدرت‌گیری خود را عملی کند. یکی اینکه در رابطه با معضل اصلی جهان اسلام یعنی رژیم صهیونیستی تصمیمی راهبردی اتخاذ کند و دیگری در مورد عقب‌نماندن از تحولات و حفظ موقعیت قبلی و گسترش آن بود که این امر در تحولات سوریه و راه اندازی جنگ یمن نمود پیدا کرد.

اما معضل اصلی یعنی اسرائیل باید یک بار برای همیشه در عرصه سیاست خارجی ریاض حل و فصل می‌شد تا حمایت قدرت خارجی یعنی آمریکا به خوبی جلب شود. تعدیل مواضع، دیدارهای مخفیانه، اذعان به قدرت هسته‌ای و نظامی رژیم صهیونیستی و در نهایت لغو ممنوعیت پرواز خطوط هوایی اسرائیل همه و همه در همین راستا بود تا جایی که کارشناسان سیاست خارجی کمتر نسبت به اظهارات ولیعهد آل سعود درباره شناسایی رژیم صهیونیستی دچار بهت و حیرت شدند.

بنابراین با توجه به برآندهایی که در رابطه با عادی سازی روابط عربستان با رژیم صهیونیستی وجود دارد، می‌توان سه دلیل عمده را مطرح کرد:

- دستیابی به سلاح هسته‌ای و ایجاد یک رابطه راهبردی با تل‌آویو؛ می‌توان این احتمال را مطرح کرد که بن سلمان با اتکا به منابع غنی اورانیوم عربستان تلاش دارد یک معامله اقتصادی راهبردی با رژیم اشغالگر قدس ایجاد کند.
- مصر جز اولین کشورهای جهان اسلام بود که توسط انور سادات رابطه‌اش با صهیونیست‌ها عادی شد. از آنجایی که قاهره در رکود و بحران داخلی غرق است، حالا فرصت مناسبی است تا عربستان خود را به عنوان برادر بزرگتر کشورهای عربی معرفی کند و در این راه از هیچ تلاشی فروگذار نکند.
- رقابت با ایران را می‌توان از مهمترین دلایل عادی سازی این رابطه دانست. ایجاد تقابل در مقابل محور مقاومت و شکست بدون دستاورد در تحولات اخیر منطقه، بن سلمان جوان را بیشتر نسبت به عادی سازی رابطه با تل‌آویو مصمم کرده است.
- عربستان تحرکات جدیدی را در قبال مسئله فلسطین آغاز کرده که اجرای طرح آمریکا درباره پذیرش معرفی قدس به پایتختی رژیم صهیونیستی و سازش فلسطینی از محورهای آن است. با توجه به تنش‌های اخیر میان مصر و لبنان با رژیم صهیونیستی و نقشی که آن‌ها در طرح آمریکا دارند، می‌توان گفت بن سلمان مأموریت دارد زمینه عربی را برای تحقق طرح آمریکایی انتقال سفارت آمریکا به قدس فراهم کند. انتهای سفر بن سلمان به انگلیس است که بخشی از گزارش کار و هماهنگی با انگلیس در این زمینه است و مرحله بعدی آن نیز دیدار با ترامپ برای نهایی سازی طرح خواهد بود.
- ائتلاف سعودی-آمریکایی از فروردین ۱۳۹۴ تجاوز گسترده‌ای را علیه یمن آغاز کرد. این جنگ سراسری در حالی آغاز شد که سعودی و متحدان منطقه‌ای و فرا منطقه‌ای آن بر این ادعا بودند که به دنبال برقراری ثبات و امنیت در این کشور هستند و به قولی می‌خواهند با تروریسم و مخالفان وحدت یمن مقابله کنند. این ادعا در حالی صورت گرفت که سه سال از آغاز این جنگ می‌گذرد و روند تحولات نکات تأمل برانگیزی را نشان می‌دهد. نخست آنکه، رژیم سعودی در حالی شعار پیروزی در جنگ در چند روز را سر می‌داد که پس از گذشت سه سال نه تنها این مدعا محقق نشده، بلکه همه شواهد از شکست این رژیم حکایت دارد. البته سعودی‌ها در کشتار مردم و نابودی و ویران سازی یمن بسیار موفق بوده‌اند، چنانکه بخش‌های گسترده‌ای از یمن به

ویرانه مبدل شده و ده‌ها هزار نفر به شهادت رسیده و میلیون‌ها نفر آواره شده‌اند و اینک شاهد فجایع بزرگ انسانی هستیم و محمد بن سلمان با تطمیع افراد و دستگاه‌های بین‌المللی و حقوق بشر بر آن سرپوش می‌گذارد.

تأسیس سازمان امنیتی جدید در عربستان

«ملک سلمان»، پادشاه عربستان سعودی (۲۰ جولای) در حکمی تازه، دستور تأسیس یک سازمان امنیتی جدید را صادر کرد. سازمان امنیت کشور عربستان تحت نظر شخص «ملک سلمان»، پادشاه شکل گرفته است. بر اساس حکم ملک سلمان، «عبدالعزیز الهویرینی» با حفظ سمت کنونی یعنی مدیر کل تحقیقات عمومی به عنوان رئیس جدید سازمان امنیت کشور عربستان منصوب می‌شود. سازمان امنیتی جدید عربستان دقیقاً یک ماه پس از انتصاب «محمد بن سلمان» به ولیعهدی عربستان تأسیس شده است و همراهی جدید با دستگاه‌های امنیتی رژیم صهیونیستی دارد از این رو، آنچه که مشخص این است که تأسیس سازمان امنیتی جدید توسط ملک سلمان با حکم روز ۲۱ ژوئن وی که طی آن «محمد بن نایف» از ولیعهدی برکنار و محمد بن سلمان، جایگزین وی شد، ارتباط مستقیمی دارد. به نظر می‌رسد که مهمترین عامل در تصمیم ملک سلمان برای تأسیس این سازمان جدید که بدون شک خود محمد بن سلمان نیز طراح اصلی سازمان جدید است، وجود «عدم اطمینان شدید» در ساختار قدرت عربستان و «حفظ حداکثر آمادگی برای مقابله با شرایط تازه» باشد.

عدم اطمینان در ساختار قدرت به این دلیل است که عربستان سعودی شاهد تغییرات جدی و حتی تاریخی است؛ زیرا با ولیعهدی محمد بن سلمان پایان کار فرزندان عبدالعزیز فرا رسید و با انتقال احتمالی قدرت به بن سلمان که حتی گفته می‌شود تا دو ماه دیگر رخ خواهد داد، فرزندان سلمان قدرت را در اختیار خواهند گرفت. بنابراین، در فضای جدید، «عدم اطمینان» به ساختار قبلی از جمله ساختار امنیتی موضوع مهمی است زیرا در ساختارهای امنیتی کنونی عربستان همچنان فرزندان عبدالعزیز و فرزندان شان (نوادگان عبدالعزیز) نفوذ دارند و برای اینکه تهدیدها علیه بن سلمان کاهش یابد، باید این نفوذ در ساختارهای امنیتی نیز قطع شود.

با ولیعهدی محمد بن سلمان می‌توان گفت حکم جدید ملک سلمان دارای سه بخش مرتبط با هم است. از یک سو؛ در حکم جدید سازمان جدیدی تأسیس شده است. از سوی دیگر، بخش‌هایی مانند نیروهای ویژه امنیتی، اداره امنیت هواپیمایی، مرکز اطلاعات ملی و همه بخش‌های مربوط به مبارزه با تروریسم از وزارت کشور منفک و به سازمان امنیتی جدید ملحق شده است. بخش سوم این حکم نیز این است که افراد جدیدی به سمت‌های امنیتی پادشاهی سعودی منصوب شدند. از مهمترین این انتصابات ها، انتصاب ژنرال «سهیل المطیری» به جای ژنرال «حمد العوهلی»، در سمت رئیس گارد سلطنتی عربستان است. این در حالی است که «حمد العوهلی» در ژانویه ۲۰۱۵ به عنوان یکی از نخستین تغییرات جایگزین «متعب بن عبدالله بن عبدالعزیز آل سعود»، فرزند ملک عبدالله پادشاه سابق شده بود. به طور کلی باید گفت؛ تأسیس سازمان امنیتی جدید نیز در امتداد تغییراتی قرار دارد که ملک سلمان و پسرش، محمد، از ژانویه ۲۰۱۵ آغاز کردند. این تغییرات با هدف تقویت جایگاه محمد بن سلمان در ساختار قدرت عربستان سعودی تا رسیدن به کرسی پادشاهی انجام می‌شود. سازمان امنیتی جدید نیز مهمترین و قدرتمندترین سازمان امنیتی عربستان سعودی خواهد بود که زیر نظر پادشاه این کشور فعالیت خواهد کرد.

یکی دیگر از اقدامات بن سلمان محدود کردن اختیارات هیأت قدرتمند "امر به معروف و نهی از منکر" بود. این هیأت که تا پیش از به قدرت رسیدن بن سلمان و پدرش، در حوزه اجتماعی بسیار قدرتمند بود، از آوریل ۲۰۱۶ بر اساس مصوبه هیأت وزیران دیگر نمی‌تواند فردی را بازداشت یا تعقیب یا حتی مزاحم و یا حتی از کسی کارت شناسایی طلب کند؛ این همان هیأتی است که گاهی اوقات افراد را در خیابان یا محلات عمومی به باد کتک می‌گرفت و بازداشت می‌کرد.

سفر بن سلمان به آمریکا و بستن قرارداد با کمپانی‌های بزرگ فیلم‌سازی در هالیوود

محمد بن سلمان، فرزند پادشاه سعودی در رأس هیأتی به آمریکا سفر کرد وی در این سفر اهداف بسیاری را دنبال نمود. در ذیل به مواردی اشاره می‌شود:

- بازدید از استودیوهای فیلم‌سازی در هالیوود از جمله والت دیزنی



- بازدید و یا دیدار با مقامات سازمان فضایی ناسا، شرکت تسلیحاتی لاکهید مارتین و شرکت صنایع هوایی بوئینگ
- دیدار با مقامات سیاسی شامل داندل ترامپ رئیس جمهور آمریکا، آنتونیو گوترش دبیر کل سازمان ملل، هنری کیسینجر استراتژیست مشهور، بیل کلینتون رئیس جمهور پیشین و همسرش هیلاری، چاک شومر سناتور دموکرات و ایران‌ستیز از ایالت نیویورک که مخالفتش با توافق هسته‌ای در زمان اوباما خبرساز شد و احتمالاً مقامات دولت‌های پیشین آمریکا از جمله اوباما، کری، کاندولیزا رایس و ژنرال پترئوس
- انعقاد قرارداد ۲۰۰ میلیاردی در حوزه خرید تسلیحاتی
- دیدار و گفتگو با ابر ثروتمندان و تاجران متعدد از جمله مایکل بلومبرگ شهردار پیشین نیویورک و روبرت مرداک سرمایه‌گذاری قدرتمند در عرصه رسانه‌های محلی، جهانی و شبکه‌های تلویزیونی ماهواره‌ای
- دیدار با بسیاری از کارآفرینان برجسته و مدیران شرکت‌های موفق از جمله بیل گیتس (میلارد معروف آمریکایی، موسس شرکت مایکروسافت و بنیاد خیریه بیل و ملیندا گیتس)، جف بیزوس (بنیانگذار و مدیر اجرایی شرکت آمازون که اخیراً ثروتش از بیل گیتس پیشی گرفته)، مدیران Uber، ایلان ماسک (مهندس نخبه و بنیانگذار تسلا موتورز) و تیم کوک جایگزین استیو جابز در اپل
- دیدار با هنرمندان و سلبریتی‌ها از جمله خانم اوپرا وینفری (تهیه‌کننده، بازیگر، مجری و معروف‌ترین میلیاردر آفریقایی تبار که برنده جایزه اسکار شده است) و آقای برایان گریزر بنیانگذار شرکت ایمجین و تهیه‌کننده نمایش‌های تلویزیونی متعدد و فیلم‌هایی چون ذهن زیبا
- دیدار و گفتگو با اصحاب رسانه از جمله نیویورک تایمز، واشینگتن پست، وال استریت ژورنال، لس آنجلس تایمز، سن فرانسیسکو کرونیکل و...
- مصاحبه تلویزیونی با سی‌بی‌اس مقابل مجری مشهور، نورا اَدانل
- دیدار با سه رهبر جامعه یهودیان آمریکا شامل خاخام ریچارد جکوبز رئیس اتحادیه اصلاح یهودیت، خاخام استیون ورنیک رئیس کنیسه متحد محافظه کاران یهودی و آلن فگین معاون اجرایی رئیس اتحاد یهودیان ارتودوکس.
- دیدار با سران تکنولوژی جهان در سلیکون ولی، رویداد مهمی ست زیرا یکی از پروژه‌های بن سلمان تأسیس شهر تکنولوژی "نوم" است که هزینه‌ای ۵۰۰ میلیاردی دارد و در سال ۲۰۱۷ نیز با اعطای شهروندی عربستان به یک ربات انسان نما به نام «صوفی» نخستین اقدام نمادین و جدی را در این راستا انجام داد. مقامات مسئول در وزارت امور خارجه عربستان و مدیریت شرکت‌های اپل و گوگل حاضر به اظهارنظر درباره این برنامه از سفر نشدند.
- با توجه به شرایط موجود بنظر می‌رسد بن سلمان می‌خواهد با آمریکا قراردادهای کلان امضا کند تا آنها را وادار به حضور در بازار تکنولوژی عربستان کند. بازاری که تازه قرار است به راه بیفتد. دو هفته پیش از این سفر، عربستان طی قرار دادی ۳٫۵ میلیارد دلار در شرکت حمل و نقل اوبر سرمایه‌گذاری کرد. یکی از ایده‌های دیگر محمد بن سلمان هزینه ۵۰۰ میلیارد دلاری برای ساخت نخستین شهر هوشمند و نیمه خود مختار عربستان موسوم به نوم در شمال غربی این کشور است. شهری که قرار است بیش از مردم عادی، میزبان روبات‌ها باشد و به نوعی شهر روبات‌ها لقب بگیرد.
- محمد بن سلمان، در جریان سفر خود به آمریکا قرارهایی هم با رؤسای کمپانی‌های بزرگ فیلم‌سازی در هالیوود گذاشته و با شماری از چهره‌های معروف هالیوود هم دیدار داشته است. در مراسمی که با میزبانی روبرت مرداک برگزار شد با چند بازیگر، کارگردان و چهره سرشناس سینمای هالیوود آمریکا نظیر مورگان فریمن، جیمز کامرون، رابرت داگلاس و دواین جانسون دیدار کرده است.

دواین جانسون، بازیگر مشهور و ستاره سابق کشتی کج آمریکایی معروف به "صخره" در پستی در فیسبوک احساسش را درباره دیدار با محمد بن سلمان و خانواده‌اش ابراز کرد.

عربستان سعودی که بر اساس اصلاحات اقتصادی اجتماعی شتابان ولیعهد این کشور قرار است تا سال ۲۰۳۰ بیش از ۳۵۰ مجتمع سینمایی افتتاح کند، اولین مجوز سینمایی را به یک شرکت معروف آمریکایی داد. وزارت فرهنگ و رسانه عربستان سعودی در دسامبر ۲۰۱۷ اعلام کرده بود که برای اولین بار در ۳۵ سال گذشته، قصد دارد مجوز راه‌اندازی مجتمعی سینمایی - تجاری را از سال ۲۰۱۸ صادر کند. وزارت فرهنگ اولین مجوز راه‌اندازی مجتمع سینمایی را به شرکت معروف "ای.ام.سی" آمریکا داده است. شرکت آمریکایی ای.ام.سی (AMC) از شرکت‌های معروف و بزرگی است که در بخش سینماهای زنجیره‌ای در ایالات متحده فعالیت دارد. این شرکت در هجدهم ماه جاری (مارس) اولین مجتمع سینمایی در عربستان را افتتاح کرد گفته می‌شود یکی از زیباترین سالن‌های سینمایی دنیا است که ۵۰۰ صندلی چرمی دارد و کفپوش آن سنگ مرمر است و مکان سالن در منطقه تجاری ریاض واقع شده است. «ادم ارون»، رئیس شرکت آمریکایی ای.ام.سی از بنایی فوق‌العاده و شگفت‌انگیز سخن گفته و مدعی شده که این، زیباترین سینمای جهان است.

عواد بن صالح العواد وزیر فرهنگ عربستان سعودی گفته که این مجوز، فرصت‌های سرمایه‌گذاری مهمی به شرکت‌های سینمایی خواهد داد و عربستان نیز در این حوزه بازاری بزرگ است و بیشتر ساکنانش زیر ۳۰ سال سن دارند و آنان مشتاق فیلم‌های دلخواهشان در کشورشان هستند. این طرح بلندپروازانه بن سلمان، در حوزه سینما، پای شرکت‌های آمریکایی را به عربستان باز کرده و برخی منتقدان، افتتاح سینما را ورود هالیوود به عربستان سعودی می‌دانند. عربستان سعودی ظاهراً تصورات مشخصی از سرمایه‌گذاری در هالیوود و همچنین همکاری با صنایع فیلمسازی در آمریکا دارد.

نقش آمریکا در تثبیت قدرت محمد بن سلمان

برکناری ولیعهد محمد بن نایف از سمت مهم وزارت کشور عربستان و نایب‌الرئیس شورای وزیران در حالی که سال‌هاست توسط امریکایی‌ها و انگلیسی‌ها حمایت می‌شد، نشان دهنده این واقعیت است که جنگ پنهان قدرت بین دو وزیر کشور و دفاع یعنی محمد بن نایف و محمد بن سلمان در نهایت به نفع پسر پادشاه پایان یافت و اکنون همه سرنوشت عربستان در دست فرد جوانی است که فقط به پشتیبانی آمریکا توانست آینده قدرت در عربستان را به نفع خود تغییر دهد. در واقع در آمریکا هم جناح نظامی در پنتاگون به تثبیت موقعیت محمد بن سلمان رای داد تا جنگ طلبی را در آینده منطقه تقویت کند.

محمد بن نایف که از ولیعهدی سلمان شاه عربستان برکنار شد، سال‌ها خودش و پدرش با دستگاه‌های امنیتی آمریکا کار کردند. در فوریه ۲۰۱۷ از سوی مایک پومپئو رئیس سازمان سیا، عالی‌ترین نشان اطلاعاتی آمریکا (مدال جورج تنت) به محمد بن نایف اهدا شد. وی به عنوان نماد مبارزه با تروریسم از سوی نهادهای امنیتی آمریکا معرفی می‌شد. برای اینکه آمریکایی‌ها محمد بن نایف را رها کنند و این شاهزاده جوان را انتخاب کنند، او باید چیزی را به آمریکایی‌ها عرضه و ارائه کرده باشد که هیچ‌کسی جرات اداره و یا حتی ارائه آن را نداشته باشد. به نظر می‌رسد او باید اسرائیل را به رسمیت بشناسد. اگر او این کار را انجام دهد آمریکایی‌ها از او حمایت خواهند کرد. آن‌ها در این صورت حتی تاج پادشاهی را نیز بر سر او می‌گذارند. در همین حال عربستان سعودی و امارات متحده عربی، قطر را به بهانه حمایت از حماس به عنوان یک گروه ضد صهیونیستی تحت محاصره در آورده‌اند.

با این اقدام به نظر می‌رسد که آمریکا با توجه به نفوذ سنتی و عمیق خود در عربستان، به این نتیجه رسیده است که موضع قدرت در عربستان باید یکسره شود. خصوصاً که عربستان در آرایش جدید منطقه‌ای مورد نظر آمریکا می‌بایست نقش ویژه‌ای را بر عهده بگیرد. نقشی که نیاز به یک آرامش و ثبات در ساختار قدرت دارد. حال آنکه فرزندان عبدالعزیز در آستانه مرگ بودند و هریک چندانی بر اریکه شاهی نمی‌پاییدند و در نهایت کثیری از مدعیان پادشاهی مانع اصلی برای ایفای این نقش محسوب شده و باید این مشکل یکسره می‌شد. با توجه به اینکه عربستان قرار است در آرایش جدید منطقه‌ای آمریکا در ائتلاف عربی - صهیونیستی و آمریکا که به بهانه جنگ با تروریسم و در واقع با هدف مقابله با نفوذ جمهوری اسلامی ایران و تضعیف و حذف محور مقاومت، فعال شود، محمد

بن سلمان به دلیل بلند پروازی هایش و هزینه هایی که حاضر است برای این بلند پروازی پرداخت کند؛ مانند قرارداد ۴۵۰ میلیارد دلاری اخیر عربستان با امریکا، گزینه ای مناسب محسوب می شود.

تحلیل اصلاحات محمد بن سلمان در عربستان

کشور عربستان سعودی، جامعه بسته است که در گیر و دار تنگناهای بسیاری در زمینه حقوق بشر در سطح جهان می باشد.

بن سلمان نشان داد که فرد بلند پروازی است و قصد دارد با انجام اصلاحاتی در عربستان سعودی، به تن این پادشاهی محافظه کار، لباسی نو و مدرن بپوشاند. همچنین بررسی طرح های اعلام شده توسط محمد بن سلمان بیانگر شتاب زدگی، واقع بینانه نبودن، عدم انطباق با ساختار اجتماعی عربستان و فراهم نبودن مقدمات ضروری برای اجرایی شدن آن ها می باشد.

بن سلمان خود را رهبر اسلام میانه رو می داند؛ حال آنکه در واقع چیزی به نام اسلام تندرو یا میانه رو وجود ندارد. این اصلاحات بدون تردید ساخته و پرداخته غربی ها برای مخدوش کردن وجهه اسلام است. بنابراین می توان گفت: بن سلمان در این اندیشه است که با اصلاحاتی همچون حقوق بشر برای زنان، آزادی هایی در زمینه برگزاری کنسرت و موسیقی و برنامه های فرهنگی بتواند به بهبود وجهه عربستان سعودی در مجامع حقوقی و بین المللی کمک کند.

البته بسیاری از تحلیلگرانی که اوضاع عربستان را دنبال می کنند معتقدند که اصلاحات در این کشور بیشتر جنبه فرمایشی دارد و در حقیقت حاکمان جدید این کشور تحت فشارهای آمریکا و کشورهای غربی ناگزیر هستند این اصلاحات را اجرایی کنند.

با توجه به موارد یاد شده هر چند اصلاحات اقتصادی و اجتماعی بن سلمان از نظر افکار عمومی منطقی ارزیابی می شود و این کشور باید برای کاهش وابستگی اقتصادش به درآمدهای نفتی اقداماتی را انجام دهد و از منظر آزادی های اجتماعی با توجه به جمعیت جوان کشور صف شکنی هایی را در دستور کار خود قرار دهد، اما به نظر می رسد بسترهای سیاسی، اجتماعی و اقتصادی لازم برای این اقدامات مهیا نشده است و عربستان ظرفیت اصلاحات واقعی را ندارد و موجبات تعارض هویتی در این کشور را باعث خواهد شد.

البته می توان چنین پیش بینی نمود که عربستان در آستانه یک تحول بزرگ قرار دارد. اما تفاوتی که در تحولات عربستان در مقایسه با نمونه آن در دیگر کشورها وجود دارد صرف نظر از اینکه بسترهای تاریخی و اجتماعی و سیاسی و اقتصادی خاص هر کشور سرنوشت متفاوتی را برای آن رقم خواهد زد این است که یا بن سلمان پیروز قطعی است یا شکست می خورد. یا محمد بن سلمان هیات حاکمه می تواند اصلاحات ساختاری مورد نظرشان را پیش ببرند یا شاهزادگان و روحانیون تندروی وهابی مخالف می توانند جلوی او را بگیرند و در نهایت شاهزاده دیگری را به سلطنت بگمارند.

توده مردم به علت نبود احزاب سیاسی و یا جامعه مدنی منسجم که در پی احقاق حقوق اساسی و مشخصی است و از سوی دیگر نبود بسترهای اجتماعی و فرهنگی لازم هنوز به اندازه شاهزادگان و روحانیون موافق و مخالف نمی توانند نقش آفرینی کنند اما این احتمال وجود دارند که هر کدام از دو گروه مردم را بر علیه دیگری بسیج کنند که میزان نقش آفرینی آنها نیز در سایه قدرت سرکوب و زور غیر قابل پیش بینی است.

از سویی گروهی با تکیه بر شکاف طبقاتی، نارضایتی عمومی به ویژه در بین جوانان جویای کار و آزادی های مدنی، اختلاف در بین خاندان سلطنتی و شرایط نامناسب اقتصادی به ویژه پس از کاهش قیمت های نفت، زوال آل سعود در آینده نزدیک را پیش بینی می کنند و اصلاحات محمد بن سلمان را همانند جرعه ای در انبار بنزین می دانند. به طور عکس گروهی با تکیه بر ثروتهای این کشور به ویژه در دارایی های خارجی و درآمدهای نفتی حتی در محیط قیمتهای پایین نفت و قدرت متمرکز در دست هیات حاکمه محمد بن سلمان را با وجود تمامی تردیدهای موجود در مورد برنامه های اصلاحات اقتصادی و اجتماعی بلند پروازانه و همچنین ریسک های سیاسی داخلی و خارجی پیروز نهایی این میدان می دانند.

در پایان، ذکر این نکته مهم است با قدرت گرفتن محمد بن سلمان به عنوان ولیعهد سعودی، سرعت تغییر و اصلاحات در حوزه های اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی در این کشور افزایش پیدا کرده و ضمن نزدیک تر کردن بیشتر این کشور به امریکایی ها و صهیونیست

ها، جامعه سنتی این کشور را با چالش فزاینده‌ای روبه‌رو کرده است. بدون شک این موضوع نتیجه‌ای به جز بی‌ثباتی در نظام سیاسی و فرهنگی این کشور نخواهد داشت و در نهایت ممکن است جامعه عربستان دچار یک هرج و مرج داخلی شود و به یک کشور کاملاً غربی و پیرو رژیم صهیونیستی تبدیل شود.

با توجه به مطالب یاد شده می‌توان پیامدهای این تغییرات و اصلاحات را چنین ذکر نمود:

- اصلاحات بن سلمان به واقع اصلاحاتی غربی است که تحت تأثیرات مستقیم و غیرمستقیم کشورهای غربی به خصوص آمریکا قرار دارد. به هر حال زندگی چند ساله محمد بن سلمان در آمریکا، بدون تردید نگاه وی به جامعه، دین و حکومت را تحت تأثیر قرار داده است. موضوع بعدی القا و فشار دولت آمریکا به بن سلمان و دولت عربستان برای انجام اصلاحات است. بر این اساس اصلاحات بن سلمان را می‌توان اصلاحاتی غربی دانست که از زمان طرح ایده خاورمیانه بزرگ و اصلاحات سیاسی و اقتصادی مطرح گشت.
- اصلاحات بن سلمان می‌تواند جامعه عربستان را با بحران مواجه کند. به هر حال اصلاحات غربی آنهم در عربستانی که مهد اسلام است، نمی‌تواند تداوم داشته باشد. تجربه اصلاحات از بالا در خاورمیانه نشانگر مقاومت گسترده و در نهایت انقلاب مردمی است.
- با این حال طرح و پیشبرد این اصلاحات در عربستان به عنوان مهد اسلام و مهم‌ترین کشور عربی، می‌تواند منتهی به طرح سکولاریزم و گسترش هویت غربی شود که این امر در راستای منافع جهان اسلام نیست و باید با همکاری کشورهای اسلامی و آگاه سازی ماهیت غربی و غیر اسلامی آن را آشکار کرد.
- ضمن اینکه در چند ماه گذشته نیز مردم عربستان به اشکال مختلف مخالفت خود را با اصلاحات غربی و از بالا به پایین محمد بن سلمان اعلان کرده اند و وی تنها با فشار نیروهای امنیتی فرایند را پیش برده است.
- تحولات جاری و اصلاحات غربی محمد بن سلمان در عربستان می‌تواند باعث تغییرات ماهوی در فرهنگ و جامعه عربستان شود و با توجه به اینکه عربستان مهد اسلام است می‌تواند پیامدهای فاجعه آوری برای جهان اسلام و به خصوص جمهوری اسلامی ایران داشته باشد. یکی از نشانه‌های این امر نزدیکی عربستان به اسرائیل و بی‌توجهی به منافع فلسطینی هاست لذا ضرورت دارد که تحولات عربستان توسط جمهوری اسلامی ایران با رویکرد امنیتی بسیار مورد توجه و مطالعه قرار گیرد.

ناامیدی و بدبینی برخی منتقدان

برخی منتقدان طرح‌های بن سلمان که سرعت زیادی در تغییر چهره مذهبی عربستان به چهره‌ای سکولار دارد، نویدبخش نمی‌بینند و بالعکس آن را حال خیر برای این کشور نمی‌دانند. برخی منتقدان می‌گویند، ریاض همزمان با این تغییرات، سبب ناامنی و بی‌ثباتی در منطقه شده و علاوه بر جنگ در یمن، اختلافات خود با قطر را تشدید کرده و این اقدامات در حوزه اقتصادی خود را نشان داده به طوری که ناقوس خطر به صدا در آمده است. به گفته منتقدان، درآمد نفتی عربستان از ۳۲۲ میلیارد دلار در سال ۲۰۱۳ به ۱۳۴ میلیارد دلار در سال ۲۰۱۶ رسید و ذخایر پولی آن از ۱۱۶ میلیارد دلار در سال ۲۰۱۵ به ۸۱ میلیارد دلار در سال ۲۰۱۶ رسید. اکنون به نظر می‌رسد بن سلمان برای جبران کسری‌های موجود روی به درآمدهای بخش تفریح و سرگرمی آورده همچنان که با بازداشت دهها شاهزاده و تاجر و مسئول سعودی معروف به بازداشتی‌های هتل ریتز کارتون، تحت عنوان مبارزه با فساد، حدود ۴۰۰ میلیارد دلار از سرمایه آنان را به زور تصاحب کرد. اکنون با تغییرات سریعی که بن سلمان در حوزه اجتماعی در کشور خود ایجاد می‌کند، باید دید کشوری که دیرزمانی است وهابیت را ابزاری برای تسلط داخلی و توسعه نفوذ منطقه‌ای خود به کار گرفته بود، می‌تواند با جایگزینی «اتحاد با اسرائیل و آمریکا» به جای «وهابیت» به حیات خود ادامه دهد.

بدون تردید جامعه سنتی عربستان این تغییرات سریع و گسترده را به سهولت حذف نخواهد کرد و با چالش‌های گسترده‌ای روبرو خواهد شد. بنابراین چنین اقدامات و اصلاحات بدون اتکا به نیروهای داخلی و در نظر گرفتن شرایط قومی و قبیله‌ای عربستان سنتی صورت می‌گیرد و همچنین با تعامل با کشورهای همسایه و منطقه می‌باشند، شکست دیگری را متوجه دولتمردان سعودی خواهد ساخت.